



علی محمد نمازی
عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی

افراط در بهره برداری از عناوین علمی، سیاسی و حقوقی مانند دانشمند، عالم، استاد، دکتر و... به حدی رسیده است که آثار و نشانه‌های آن در سخنرانی‌ها و اظهارات، مکتوبات این افراد هویدا و تشخیص آن برای شهروندان چندان مشکل نیست و اعتبار عناوین و القاب مذکور از بین رفته است. بخشی از شرایط و صفات لازم برای عهده‌داری مسئولیت به همین مشکل گرفتار است. به عنوان مثال اهلیت، کاردانی، مدیریت، تقوا و تدبیر از شرایط احراز همه مسئولیت‌هاست، اما در قانون اساسی برای سمت‌های مهم و مورد نیاز اکثر ملت، شرایط و صفات قید شده است. مانند رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل (موضوع اصل یکصد و شصت و دوم)، رئیس قوه قضائیه (موضوع اصل یکصد و پنجاه و هفتم) و... یک دو دهه‌ای است که استفاده از بعضی عناوین به منظور برخورد با مخالفین سیاسی و حذف آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد مانند تبلیغ علیه نظام و... اخیراً در مقابله با برخی معترضین نیز رخ داده است. این روزها از عناوین اغتشاشگر و محارب برای برخورد با معترضین استفاده می‌شود. در بالای سر قاضی یکی از شعب رسیدگی به اتهام دستگیر شدگان نوشته شده دادگاه رسیدگی به اغتشاشگران و در اخبار خبرنگران کننده اثبات اتهام محارب برای عده‌ای مطرح شده، اگر محاربه شامل جنگ بدون به کار برد سلاح و کشته نشدن فرد یا قاتل هم باشد، آیا عدم رعایت حجاب و شعارهایی که در تجمعات سر داده می‌شود نیز مشمول محاربه می‌شود؟ از ابعاد مهم اقامه عدل و اجرای عدالت که از صفات قطعی قضات و مورد نیاز مراجع قضایی است قوانین درست و عادلانه، قضات دارای توانایی تطبیق اتهام با محتوای قانون است. در مورد جرم محاربه که از ابواب علم قضا در فقه اسلامی به ویژه شیعه است، بهتر است مشخص‌تر از اکنون تعریف شود.

در پیچه

صباح زنگنه:

سیاست نادرستی است

که فقط بایک سمت دنیا را تباط داشته باشیم



سفر اخیر رئیس‌جمهور چین به عربستان موضوعات متفاوتی را پیش روی ایران قرار داد؛ اینکه چقدر می‌توان صرفاً به شرق آسیا تکیه کرد؟ چقدر نیاز است تا روابط تجاری ایران با غرب توسعه یابد؟ آیا لازم‌ه تحقیق این مهم رفع تحریم‌هاست؟ و اینکه اگر عربستان بتواند بازار نفت چین را تسخیر کند، سر نوشت همین میزان صادرات نفتی ایران چه می‌شود؟ یک تحلیلگر مسائل سیاست خارجی، درباره این موضوع اظهار داشت: روابط چین با منطقه رابطه به لحاظ استراتژیک روشن است. چین نیاز به انرژی دارد و منطقه خلیج فارس هم دارنده انرژی است و مکمل یکدیگر هستند، چین از ایران به صورت اندک نفت می‌خرد و از عربستان هم می‌خرد؛ البته حدود چهاربرابر آنچه از ایران می‌خرد. نکته دیگر آنکه چین دنبال آن است منطقه خلیج فارس که دارای انرژی است دارای امنیت و ثبات باشد. جمهوری اسلامی هم یکی از بازیگران منطقه‌ای است که در پی ثبات و امنیت است؛ پس حضور چین در منطقه خللی به برنامه‌های ایران وارد نمی‌کند. صباح زنگنه گفت: البته این را بگویم که مسائلی که در بیانیه میان عربستان و چین آمده است، نقطه ضعفی برای چین محسوب می‌شود که یا بی‌توجهی از سوی چینی‌ها صورت گرفته یا آنکه در پی دادوستدی عظیم چنین بیانیه‌ای از سوی چین امضا شده است. چین باید بداند و می‌داند که امنیت منطقه از سوی چه کشورهایی و مشخصاً آمریکا برهم خورده است و می‌داند که گروه‌هایی مانند داعش و القاعده امنیت منطقه را بر هم می‌زنند و خوب بود که به جای آنکه زیر بیانیه‌ای درباره ایران را امضا می‌کرد می‌گفت که درست نیست دو کشور در همین منطقه، کشور ضعیف همسایه خود را به جنگ بکشانند و مردم این کشور یعنی یمن را تحت تسلط برخی تعهداتش عمل نکرده است؛ از جمله ریل سریع‌السریر تهران - مشهد که انجام نداد و پروژه نفتی آزادگان که از آن عقب‌نشینی کرد. با در نظر داشتن همه اینها باید گلايه جمهوری اسلامی ایران به دولت چین اعلام شود. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: ما باید کار خودمان را بکنیم و در سیاست خارجی توازن برقرار کنیم. اگر ما از ظرفیت اقتصادی همه دنیا استفاده کنیم، کشورهایی مانند عربستان این خلأ را پر نمی‌کنند. این سیاست نادرستی است که فقط با یک سمت دنیا ارتباط داشته باشیم و بقیه کشورها را رها کنیم. می‌شود هم‌زمان که با روسیه و چین در ارتباط هستیم، با امری غرب هم همکاری اقتصادی داشته باشیم. زنگنه تصریح کرد: چین با همه قدرت و توان مالی‌اش به دلیل حجم مبادلات بالای تجاری نمی‌تواند ارتباطش را با آمریکا مخدوش کند زیرا ضرر هنگفتی می‌کند. ایران باید بداند در این شرایط سیاست متوازن بهترین سیاست است. امروز مشاهده می‌کنیم به دلیل آنکه FATF را امضا نکرده‌ایم حتی خود چین هم نمی‌تواند به راحتی با ما ارتباط داشته باشد.

مجید ابهری در گفت وگو با «آرمان ملی»:

کسانی را که براساس هیجان

به خیابان آمده‌اند

آزاد کنید

کسانی که عامل بهم ریختگی اجتماعی بودند به صف مدعیان پیوسته‌اند

کسانی که صحبت از میانجی‌گری می‌کنند با فلسفه تضادهای اجتماعی آشنایی ندارند

تداوم تنش‌های اجتماعی آثار زبانباری به همراه خواهد داشت

والدین با فشارهای کمرشکن هزینه‌برند پوشی نسل جدید را پرداخت می‌کنند

کسانی مدعی میانجی‌گری هستند که عامل به وجود آمدن شرایط کنونی هستند



آرمان ملی - احسان انصاری: «افرادی که خود از عوامل بروز نابسامانی‌های حاضر بوده و سهم بسزایی در بهم ریختگی‌های فرهنگی و اجتماعی داشتند حالا به صف مدعیان پیوسته‌اند. چهره‌های تکراری در مدیریت کلان و میانی کشور یکی از موانع تحولات اساسی در محورهای اقتصادی و صنعتی بوده و فلسفه دل‌آزار قحط‌الرجال را به اذهان متبادر می‌سازد. جالب توجه است که فرد هم می‌تواند مدیر ارشد در صنعت و تکنولوژی باشد و هم در امور برنامه‌ریزی مسکن موثر واقع گردد. آنچه نخبگان را از تحول و پیشرفت دلگیر می‌نماید همین چهره‌های تکراری و محروم شدن شاکله اجرایی کشور از ذهن‌ها و چهره‌های نو رورز آمده‌است. کسانی که به دنبال سبب‌شناسی مهاجرت نخبگان و ویزش آنها هستند باید گوشه چشمی نیز به نخبه‌آزاری داشته باشند.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر مجید ابهری، جامعه‌شناس و رفتارشناس اجتماعی در گفت وگو با «آرمان ملی» در تحلیل چشم‌انداز پیش‌روی کشور است. ابهری در این گفت وگو به مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی کشور می‌پردازد که در ادامه ما حاصل این گفت وگو را می‌خوانید.

علمی که در دایره هیچ توزیع قدرت حضور نداشتند بهره گرفت. ممکن است بعضی از دوستان طرح این شرط را تعلیق به محال یا دشوار قلمداد نمایند. در حالی که این بیان غیر قابل قبول و دور از منطق است چهره‌های موجه علمی و سیاسی در بین روحانیون و چهره‌های حوزوی و نخبگان علمی و اقتصادی و رجال سیاسی وجود دارند که می‌توان به گره گشایی به دست آنان امید قطعی داشت. در غیر این صورت یعنی در صورت بهره‌گیری از افرادی که جامعه ذهنیت از آنها داشته باشند؛ حرکت میانجیگری قابل از شروع محکوم به شکست خواهد بود. صدا البته تاریخ افرادی را که به هر دلیل ریز و درشت سکوت اختیار کرده منافع فردی خود را بر منافع ملی ترجیح داده و با دلایل بی‌اساس میدان را برای تکیه‌تازی وسواس‌استفاده فرصت‌طلبان خالی کنند تا همیشه تاریخ شرمسار شهدا و مردم مظلوم و محروم خواهند بود.

تصمیم‌گیران جامعه باید چه رویکردی را در دستور کار خود قرار بدهند که دیگر شاهد چنین بحران‌هایی در

جامعه نباشیم؟

در حوادث جاری که نسل‌های دهه‌های هفتاد و هشتاد و نود اصلی‌ترین اجزای اجرایی آن بودند نکته‌ای که وجود داشت عدم شناخت نسل‌های یادشده از وقایع و حوادث تاریخی و سواد است کاری‌آنها بود.

رنگارنگ دشمنان در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای از طرف دیگر مزید بر علت گردیده و بحران را تشدید کرد. این در حالی است که ضعف مدیریت‌های گذشته و انباشت خطاهای تلنبار شده روی هم و رانت خواری‌ها و ویژه‌برداری‌ها و سوء استفاده از امضاهای طلایی؛ قبیله‌سالاری‌ها و تورم و گرانی‌های ناشی از سه دهه تحریم‌های ظالمانه استکباری فشار زیادی را بر اقبالش کم درآمد و ضعیف وارد کرد و به کاردهی استخوان آنها رسانده است. نکته مهم این بود که در کاردهی این روزها حرفی از زخم‌های ناسو و دردهای کهنه نیازمندان به میان نمی‌آید و خواسته‌های لاکچری بر خواست‌های مردم پیشی گرفته‌اند. ریاست قوه قضا در میان حرف‌هایشان از تبدیل تهدیدها به فرصت سخن گفته بود و چه بجا و منطقی بود. اگر قرار باشد فرصت‌های موجود از دست رفته و به بهره‌برداری منطقی سوق نیابد حاصل این همه اتلاف انرژی چیست؟ واقعیت این است که اگر از حوادث اخیر درس نگرفته و تجربه نیاموزیم این حرکات فقط اتلاف انرژی و فرصت قلمداد خواهند شد. و چه خوش سرود آن شاعر که: «اگر پند خردمندان به شیرینی نیاموزی/ فلک آن بند را تلخی دهد روزی...» به همین دلیل اگر از تجارب تلخ اتفاقات اخیر درس نگرفته و در خلق و بهره‌گیری از فرصت‌ها غفلت کنیم؛ باید منتظر آن روزهای تلخ باشیم که نتایج این فرصت‌سوزی‌ها را

هم‌زمان با افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره امکان حذف جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد، «ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت امور خارجه، ایران را عضوی از سازمان ملل متحد دانست که در یک انتخابات کاملاً شفاف و قانونی با بیشترین رای کشورهای عضو مجموعه «اکوسوک» از ۵۴ رای با کسب ۴۳ رای عضو کمیسیون مقام زن در این مجموعه شد. وی افزود: تلاش آمریکا و کمک برخی دولت‌های اروپایی یک اقدام کاملاً سیاسی و غیرقانونی با اعمال فشار و استفاده از پتانسیل‌های سیاسی و تاثیرگذاری بر کشورهای مستقل عضو ایران را در این چارچوب با مانع مواجه کنند.

فشار به ایران چه در قالب قطعنامه و چه تقلاً برای حذف ایران از نهادهای بین‌المللی، پس از حوادث اخیر افزایش چشمگیری یافت و ادعاهای جعلی، خبرسازهای دروغ و تحلیل‌هایی با مبنای دشمنی به رویه‌ای جاری تبدیل شد.

شوم فقط و فقط سکوت است. در اینجا قصور نسل‌های ما در عدم بیان گوشه‌هایی از تاریخ و وقایع گذشته برای نسل‌های حاضر غیر قابل اغماض است. گاه به خاطر برخی ملاحظات و

شرایط و گاهی به خاطر حفظ منافع از ابراز حقایق سرپیچی شد تا کار به اینجا رسید. کسانی که تضعیف روحیه ورزشکاران و دلاوران ایرانی در خاک غربت را به حساب تسویه حساب با نظام جمهوری اسلامی قرار می‌دهند؛ یا خود را به حماقت می‌زنند و یا مفهوم مبارزه را نفهمیده‌اند. تیم ملی یعنی نمایندگان ملت ایران که از سوی آنها به میادین جهانی عزیمت کردند. هیچ عقل سلیم و منطق متوازی بی‌احترامی به اعضای

تیم‌های ملی فوتبال و کشتی را نمی‌پذیرند. به عنوان یک

فرد که ۱۵ خرداد ۴۲ و ۲۲ بهمن ۵۷ و سال جنگ تحمیلی را دیده و از سر گذرانده‌ام به فرزندان عزیزم یادآوری می‌نمایم که بر زبان آوردن الفاظ و کلمات زشت و یا نوشتن آنها بر در و دیوارهایی که در مقابل چشمان تمام افراد از هر سن و سواد است کاری‌آنها بود.

ادب و اخلاق است و در جامعه مقبول نیست. بنابراین از تربیت خانوادگی و اجتماعی مایه دور است که از اینگونه الفاظ و حرکات استفاده نماییم. البته هم گرانی‌های افسار گسیخته و تورم را عامل مهمی در به وجود آمدن شرایط امروز جامعه می‌دانم.

چرا در دهه‌های اخیر که تورم همواره رو به افزایش بود و مردم با گرانی‌های مکرر زندگی کردند چاره‌ای برای آن اندیشیده نشده است؟

اعتراضات اخیر هر چند از سوی نسل امروز است که این نسل کاری با تورم و گرانی نداشته‌اند والدین اکثریت آنها با تحمل انواع فشارهای عصبی و فیزیکی سفره خانه خود را رنگین کرده و مخارج کمرشکن برند پوشی فرزندان خود را می‌پردازند. والدینی که گوشه‌های میلیونی به دست فرزندان‌شان می‌دهند و جرات نمی‌کنند به آنها بگویند بالای چشم‌شان ابروست در فشار و زحمت مضاعف قرار دارند.

خط فقر اعلامی توسط سازمان‌های زیربط فاصله غم‌انگیزی با حقوق درصد قابل توجهی از حقوق بگیران و مخصوصاً بازنشستگان دارد؛ در یک سال گذشته افزایش قیمت ۱۳۰ درصدی برنج و ۱۲۴ درصدی ماکارونی و ۲۸۷ درصدی روغن، ۱۱۹ درصدی سبب زمینی و ۱۰۴ درصدی مرغ و ۶۴ درصدی تخم مرغ با نرخ تورم اعلام شده ۴۰ درصدی از سوی دولت فاصله دارد. اگر قرار باشد هر دلسوز و دوستدار انقلاب و مردم را به محض بیان یک نکته انتقادی با انگ ضد انقلاب به گوشه‌ای برانیم میدان جامعه نبوده و نتایجی جز آشفتنی بیشتر به دنبال نخواهد داشت. دستگیری و مجازات چند تن از اختلاسگران و غارتگران سرمایه‌های ملی که در غارت منابع سرمایه‌ای کشور نقش دارند پیام بهتری به جامعه خواهد داد. متأسفانه بسیاری از نوجوانان از تاریخ انقلاب اسلامی مطلع نبوده و بسیاری از چهره‌های حاضر را به خوبی نمی‌شناسند. از جمله خاتم‌دیری خامنه‌ای که بعضی از مطالب را مطرح می‌کنند. افراد همنس اینجانب که دوران جنگ تحمیلی را به یاد دارند نقش آشوبگر همسر وی را فراموش نمی‌کنند. سخنرانی‌های وی در اردوگاه‌های اسرای ایرانی و تضعیف روحیه رزمندگان شیردل در تاریخ ماندگار است. بهترین کار و معجزه برای ایشان در جهت زدودن آن خاطرات

کسانی که تضعیف روحیه

ورزشکاران و دلاوران

ایرانی در خاک غربت را

به حساب تسویه حساب

با نظام جمهوری اسلامی

قرار می‌دهند؛ یا خود را به

حماقت می‌زنند و یا مفهوم

مبارزه را نفهمیده‌اند

کنونی یکی از بهترین گزینه‌های روی میز نیست؟ چرا میانجی‌گری را به دلیل عدم شناخت از تضادهای اجتماعی می‌دانید؟

میانجی‌گری معمولاً بین دو طیف مشخص بر گزار می‌گردد. در شرایط حاضر یک طرف به‌طور واضح دولت بوده و اما طرف دوم مشخص نیست. بنابراین موضوع میانجی‌گری طرفی از نامشخص و تعلیق به ابعاد نامشخص است. به جای طرح اینگونه موضوعات برای اتمام شرایط حاضر و عودت آرامش صرف‌شده و تعلیق به ابعاد نامشخص است. به جای طرح اینگونه موضوعات برای اتمام شرایط حاضر و عودت آرامش به جامعه اعلام عفو عمومی و استخلاص کسانی که بدون برنامه و طرح قبلی صرفاً براساس هیجان‌های اجتماعی به خیابان‌ها آمدند و نقشی در تخریب و ایجاد زیان به جامعه نداشتند باید صورت بگیرد. تداوم اوضاع فعلی به نفع هیچ‌یک از طبقات جامعه نبوده و نتایجی جز آشفتنی بیشتر به دنبال نخواهد داشت. دستگیری و مجازات چند تن از اختلاسگران و غارتگران سرمایه‌های ملی که در غارت منابع سرمایه‌ای کشور نقش دارند پیام بهتری به جامعه خواهد داد. متأسفانه بسیاری از نوجوانان از تاریخ انقلاب اسلامی مطلع نبوده و بسیاری از چهره‌های حاضر را به خوبی نمی‌شناسند. از جمله خاتم‌دیری خامنه‌ای که بعضی از مطالب را مطرح می‌کنند. افراد همنس اینجانب که دوران جنگ تحمیلی را به یاد دارند نقش آشوبگر همسر وی را فراموش نمی‌کنند. سخنرانی‌های وی در اردوگاه‌های اسرای ایرانی و تضعیف روحیه رزمندگان شیردل در تاریخ ماندگار است. بهترین کار و معجزه برای ایشان در جهت زدودن آن خاطرات

فرارو

خیمه‌شب بازی با نهادهای بین‌المللی

عواقب بدعت خطرناک

کاخ سفید چیست؟

آمریکا و متحدانش در راستای افزایش فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی ایران، در تلاش هستند تا ۱۴ دسامبر برابر با ۲۳ آذرماه، تصمیم حذف ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد را به رای گذارند. اقدامی خلاف قوانین حقوقی و روال‌ها در روابط بین‌الملل که واکنش مقامات جمهوری اسلامی را در پی داشته و در راستای بهره‌جویی از تحولات و شرایط داخلی ایران است. کمیسیون مقام زن، نهادی زیرمجموعه سازمان ملل متحد است که از سال ۱۹۴۶ تلاش می‌کند در حوزه چالش‌ها و مشکلات زنان، راهگشا باشد. گرچه در برهه‌هایی مانند بسیاری دیگر از سازمان‌های بین‌المللی متاثر از تصمیمات و اقدامات سیاسی کشورهای اروپایی است، اما نشست سالانه و ده روزه آن برای حل و فصل بسیاری از مشکلات زنان در حوزه عدالت جنسیتی، استانداردهای جهانی برای پیشرفت زنان و نابرابری‌های موجود در این حوزه تلاش می‌کند. این کمیسیون ۴۵ عضو دارد و جمهوری اسلامی ایران از ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ براساس رای اکثریت اعضا به عضویت این نهاد درآمده است. داستان فشارهای تازه علیه ایران و پیشنهاد حذف جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن، پس از آن مطرح شد که آلبانی با حمایت آمریکا در نشست غیررسمی؛ آیا رفارمولای شورای امنیت سازمان ملل، بیانیهای علیه جمهوری اسلامی صادر کرد.

پس از این نشست، «اکامالا هریس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا، ایران را متهم به انکار حقوق زنان کرد و خواستار حذف ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد شد. به فاصله یک هفته از این نشست، نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بر گزار و اتهاماتی را علیه جمهوری اسلامی ایران وارد کرد و پس از این نشست بود که «آنتونی بلینکن» در بیانیهای مطبوعاتی ضمن استقبال قطعنامه این نشست، از تداوم تلاش آمریکا برای اخراج جمهوری اسلامی ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد، سخن گفت.

بدعتی خطرناک در روال بین‌الملل

تلاش ماهانه برای زیر سوال بردن تمام رویه‌های بین‌المللی؛ این توصیف خلاصه‌ای از اقدامات مسبوق به سابقه آمریکا و متحدانش است که در ماه‌های اخیر سیر صعودی هم به خود گرفته است. همین که ماه پیش بود که آمریکا با همراهی کانادا در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای درباره «وضعیت حقوق بشر در ایران» به تصویب رساند و ایران را متهم به تبعیض علیه اقلیت‌ها کرد. شواهد نشان می‌دهد تلاش برای حذف ایران از کمیسیون حقوق زنان سازمان ملل متحد هم در همین راستا قابل ارزیابی است. به نظر می‌رسد تداوم دشمنی غرب با ایران آرام آرام وجهه و کارکرد بسیاری از نهادهای و سازمان‌های حقوقی و بین‌المللی را زیر سوال خواهد برد. به کارگیری قواعد و سازمان‌های بین‌المللی برای دستیابی به اهداف کشوری خاص، چنان بدعت خطرناکی است که بسیاری از همراهان و هم‌پیمانان آمریکا را هم درباره اقدامات اخیر دچار شک و بدگمانی کرده است. شواهد متشنش شده در رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی حکایت از ناراضی و مخالفت کشورهای مختلف با اقدام آمریکا در حذف ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد دارد. به ادعای این رسانه‌ها، اقدامات دستور آمریکا و تحکم در عضویت یا عدم عضویت کشورها به نوبی برابری حاکمیتی دولت‌ها و سرزمین‌ها را زیر سوال می‌برد. دولت‌های همیشه همراه واشنگتن سبک‌بال‌های هشدارآمیزی از رفتار و اقدامات کاخ سفید دریافت می‌کنند که آن‌ها را نسبت به اهداف مقامات آمریکا دچار بدبینی کرده است. آنها به خوبی می‌دانند که نقض قواعد و قوانین بین‌المللی اگر به رویه‌ای معمول در جهان تبدیل شود، مانند آسیای عمل خواهد کرد که در آن روزی هم نوبت آنها خواهد شد تا قربانی این زیاده‌خواهی‌ها و بی‌قانونی‌های کاخ سفید شوند.

واکنش مقامات ایران

هم‌زمان با افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره امکان حذف جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد، «ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت امور خارجه، ایران را عضوی از سازمان ملل متحد دانست که در یک انتخابات کاملاً شفاف و قانونی با بیشترین رای کشورهای عضو مجموعه «اکوسوک» از ۵۴ رای با کسب ۴۳ رای عضو کمیسیون مقام زن در این مجموعه شد. وی افزود: تلاش آمریکا و کمک برخی دولت‌های اروپایی یک اقدام کاملاً سیاسی و غیرقانونی با اعمال فشار و استفاده از پتانسیل‌های سیاسی و تاثیرگذاری بر کشورهای مستقل عضو ایران را در این چارچوب با مانع مواجه کنند.

تداوم سوءاستفاده از شرایط داخلی

فشار به ایران چه در قالب قطعنامه و چه تقلاً برای حذف ایران از نهادهای بین‌المللی، پس از حوادث اخیر افزایش چشمگیری یافت و ادعاهای جعلی، خبرسازهای دروغ و تحلیل‌هایی با مبنای دشمنی به رویه‌ای جاری تبدیل شد.